

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جامعة العلامة الطباطبائي
كلية الآداب الفارسية و اللغات الأجنبية
قسم اللغة العربية و آدابها

إشكالية البنية المعجمية في ترجمة الآيات القرآنية

(بحث مقدم لنيل درجة الدكتوراه في اللغة العربية و آدابها)

الأستاذ المشرف:

د. حميدرضا ميرحاجي

الأستاذ المشرف:

د. جلال مرامي

الأستاذ المشرف المساعد:

د. سيد خليل باستان

إعداد الطالب:

رضا أماني

طهران، سنة ١٣٩٠ هجرية شمسية / ١٤٣٢ هجرية قمرية

﴿ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا
عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴾

صدق الله العلي العظيم

البقرة : ٣٢

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه

کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان:	إشكالية البنية المعجمية في ترجمة الآيات القرآنية		
نویسنده / محقق:	رضا امانی		
مترجم:			
استاد راهنما:	دکتر حمیدرضا میرحاجی و دکتر جلال مرآمی استاد مشاور: دکتر سید خلیل باستان		
کتابنامه:	واژه نامه:		
نوع پایان نامه:	بنیادی ✓	توسعه ای	کاربردی
مقطع تحصیلی:	دکتری		
سال تحصیلی:	۸۹-۹۰		
محل تحصیل:	تهران	نام دانشگاه:	علامه طباطبائی دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی
تعداد صفحات:	۵۲۷		
گروه آموزشی:	زبان و ادبیات عرب		
کلید واژه‌ها به زبان فارسی:			
قرآن کریم، ترجمه، مترجم، ساخت فرهنگنامه‌ای، نقد، لفظ			
کلید واژه‌ها به زبان انگلیسی:			
Holy Quran, Translation, Translator, Lexical structure, Critic			

چکیده

الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

یکی از موضوعات مهمی که امروزه در جامعه پیرامون قرآن کریم مطرح است، بحث ترجمه آیات قرآنی می باشد که از اهمیت والایی برخوردار است. نخستین و اساسی ترین گام در ترجمه یک متن از جمله متن قرآن کریم شناخت صحیح و دقیق معنا و دلالت واژگان آن می باشد. اما متأسفانه با بررسی ترجمه های موجود از قرآن کریم در زبان فارسی اشکالات فراوانی در این زمینه به چشم می خورد. تحقیق حاضر سعی دارد به آسیب شناسی ترجمه های قرآن کریم از بُعد دلالت فرهنگنامه ای واژگان و مسائل و مشکلاتی که در این خصوص متوجه ترجمه های قرآنی و نیز فرهنگنامه ها می شود، بپردازد.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسشها و فرضیه ها:

حوزه ترجمه قرآن کریم و همینطور نقد ترجمه ها به ویژه در دهه های اخیر شاهد رشد و پیشرفت قابل ملاحظه ای بوده است. ظهور ترجمه هایی مانند ترجمه مرحوم الهی قمشه ای، مرحوم مجتبوی، مرحوم فولادوند، مرحوم آیت الله مشکینی، آیت الله مکارم شیرازی، آیتی و خرمشاهی مؤید این مدعاست. در زمینه نقد ترجمه های قرآنی نیز کتابهایی مانند «ترجمه های ممتاز قرآن کریم در ترازوی نقد» نوشته «محمدعلی کوشا»، «اصول و مبانی ترجمه قرآن» نوشته «علی نجار»، «منطق ترجمه قرآن» تألیف «محمدعلی رضایی اصفهانی» و «مشکلات ساختاری ترجمه قرآن کریم» نوشته «حیدر قلیزاده» و همینطور مجلاتی مانند «ترجمان وحی» و «بینات» به امر نقد و بررسی ترجمه های قرآن کریم اهتمام ورزیده اند. اما با وجود این تلاشها، عرصه ترجمه قرآن کریم و آسیب شناسی ترجمه ها همچنان نیازمند تلاشها و تحقیقات جدی تر می باشد به خصوص از نظر مسائل زبانی و ادبی متن قرآن کریم.

محقق در این تحقیق سعی داشته به یکی از این جنبه ها یعنی آسیب شناسی ترجمه ها از منظر دلالت فرهنگنامه ای واژگان قرآنی بپردازد تا به سؤالاتی نظیر سؤالات زیر پاسخ دهد:

- آیا مترجمان محترم قرآن کریم به هنگام ترجمه واژگان قرآنی به فرهنگنامه های اصیل زبان عربی مراجعه داشته اند، یا معادلی را با تکیه بر حافظه و دانش ذهنی خود برای واژگان انتخاب نموده اند؟
- آیا مترجمان قرآن کریم در به کارگیری فرهنگنامه های عربی موفق بوده اند یا خیر؟
- آیا مفهوم و دلالت واژگان قرآنی به طور صحیح، دقیق و کامل در ترجمه های قرآنی معادل یابی و منعکس شده است؟
- از منظر واژه شناسی و معادل یابی واژگان قرآنی چه اشکالات و مشکلاتی به ترجمه های قرآن و مترجمان قرآن و چه اشکالات و نارسایی هایی به فرهنگ های لغت برمی گردد؟

بر اساس سؤالات مطرح در این تحقیق فرضیه هایی برای آنها در نظر گرفته شده است:

- به نظر می رسد مترجمان قرآن کریم در ترجمه پاره ای از واژگان به فرهنگ های لغت عربی مراجعه نداشته و یا در برداشت معنا و انتقال و انتخاب معادلی صحیح و دقیق در زبان فارسی توفیقی نداشته اند.
- در معادل یابی دسته ای از واژگان قرآنی معنای کلی و معادلی ناقص برای واژگان در نظر گرفته شده است که مشکل «کاهش معنایی» را در ترجمه ها به وجود آورده است.
- موضوعاتی مانند «مشترک لفظی»، «ترادف» و «تضاد» نیز به مبحث واژه شناسی ارتباط دارد که به نظرمی رسد در این موارد نیز مشکلاتی در ترجمه های قرآنی وجود داشته باشد.
- اعتماد صرف و بیان دلالت و معنای فرهنگنامه ای واژگان نیز در پاره ای موارد مترجم را دچار لغزش می کند چرا که بافت کلام در برخی مواضع معنای واژه را دچار تغییر و تحول می کند، لذا تکیه بر معنای وضعی و معجمی واژه موجب اختیار معادلی نارسا می گردد.

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری و روشهای نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها:

روش تحقیق حاضر مبتنی بر روش کتابخانه ای است، به طوری که محقق در هر یک از موضوعات و حوزه های مطرح شده ابتدا به ذکر و تبیین نمونه هایی از آیات قرآنی پرداخته، و پس از آسیب شناسی تعدادی از ترجمه های قرآن کریم، از تمام روش های مختلف ترجمه، به ذکر و نقد نمونه هایی از آنها پرداخته است. در پایان نیز با توجه به مباحث نظری به پیشنهاد معادل مناسب اقدام نموده است.

ت. یافته های تحقیق:

قرآن کریم کتابی است آسمانی که برای هدایت بشر بر پیامبر اسلام (ص) نازل شده است. از واژگان، ساختارها و الگوهای زبانی و ادبی موجود میان اعراب جاهلی استفاده کرده و آنها را در قالبی شیوا و اعجازگونه بر جهانیان عرضه داشته است. لذا توجه به این جنبه از قرآن کریم بر هر قرآن پژوه از جمله هر مترجم قرآن کریم به هر زبانی بایسته و ضروری است. اما متأسفانه مترجمان محترم قرآن کریم که به نظر می رسد با توجه به ترجمه های ارائه شده آنچنان که بایسته و شایسته است در این میدان دانش و تخصص کافی را نداشته اند و نتوانسته اند حق مطلب را در ترجمه آیات وحی اداء نمایند، لذا ترجمه های موجود همچنان فاصله زیادی با متن اصلی (قرآن کریم) دارد و نمی تواند مقاصد و معانی آیات قرآنی را به طور دقیق و کامل به خوانندگان ترجمه منتقل نماید.

ث. نتیجه گیری و پیشنهادات:

در بحث واژه شناسی و ترجمه و معادل یابی واژگان قرآنی عمده اشکالات به مترجمان قرآن بازمی گردد. یعنی عدم مراجعه به فرهنگ نامه های لغت و یا عدم به کارگیری صحیح آنها و پاره ای از اشکالات نیز به فرهنگ نامه ها. در نهایت پیشنهاد می شود از باب ضرورت و نیاز، متخصصان حوزه زبان و ادبیات عربی بیش از پیش در عرصه ترجمه قرآن کریم وارد شوند تا در نهایت بتوان گام هایی سریع تر و مؤثرتر در پیشرفت ترجمه قرآن کریم به پیش برداشت.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم براساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم.

نام استاد راهنما:

سمت علمی:

نام دانشکده:

رئیس کتابخانه:

الإهداء

إلى زوجتي (يسرا) التي بذلت كل ما

في وسعها في إنجاز هذا البحث

أهدي هذا الجهد المتواضع

الشكر و الامتنان

أتقدم بجزيل الشكر و كثير الامتنان

إلى أساتذة قسم اللغة العربية و آدابها

بجامعة العلامة الطباطبائي و

الأستاذ الكريم والأب الشفيق الدكتور

سعيد النجفي أسداللهي و الأستاذ الدكتور جلال

مرامي و الأستاذ الدكتور حميدرضا ميرحاجي الذين أشرفا

على هذه الأطروحة و

الأستاذ المشرف المساعد الدكتور سيد خليل باستان

كما أشكر الأستاذ الدكتور علي كنجيان رئيس القسم العربي

بجامعة العلامة الطباطبائي

أشكرهم جميعاً

چکیده

ترجمه را می‌توان به طور خلاصه، بازسازی یک کلام در زبانی دیگر دانست، به طوری که تمام معانی و مقاصد صاحب کلام در زبان مقصد بازگو گردد. لذا متن ترجمه می‌بایست آئینه تمام‌نمای متن اصلی باشد. هرچند که در پاره‌ای از موارد شاید نتوان عملاً به این مقصود دست یافت، اما چنین نگاه و تعریفی از ترجمه می‌تواند همواره مترجم را در نزدیک شدن هرچه بیشتر ترجمه به متن اصلی به تلاش وادارد. به خصوص در ترجمه متنی همچون «قرآن کریم» که از اهمیت و حساسیت والایی برخوردار است. لذا نباید در ترجمه قرآن کریم تنها به انتقال مفاهیم کلی و عام واژگان و عبارات بسنده کرد، بلکه مترجم باید همواره تلاش نماید تا معانی و دلالت‌های دقیق و کامل واژگان و تراکیب و عبارات را -تا حد امکان- در ترجمه منعکس کند. اما متأسفانه در ترجمه‌های ارائه شده از قرآن کریم، علی‌رغم پیشرفتهای حاصل شده، چنین نگاه و تلاشی به چشم نمی‌خورد.

اولین شرط و گام اساسی در فرایند ترجمه فهم صحیح، دقیق و کامل متن اصلی است. کوچکترین واحد متن نیز واژه می‌باشد. لذا مترجم باید در وهله نخست به معنا و دلالت صحیح و کامل واژگان متن اصلی دست یابد. واژگان قرآن کریم دارای دو معنای اصلی یا جوهری یا اولیه، و معنای فنی یا ثانوی یا اضافی است. معنای نخست برخاسته از ساخت و دلالت فرهنگنامه‌ای واژه است و معنای دوم از ساختارهای آوایی، صرفی، نحوی و بلاغی واژه برمی‌آید. مجموع این ساختارها معنا و دلالت واژه را تشکیل می‌دهند. البته نباید از نقش و اهمیت بافت کلام در تعیین معنای واژه نیز غافل شد.

آسیب‌شناسی ترجمه‌های قرآن کریم بر اساس ساخت و دلالت فرهنگنامه‌ای واژگان ما را با دو دسته از اشکالات روبرو می‌سازد؛ دسته‌ای از این اشکالات ناشی از فرهنگنامه‌ها است، مانند خروج واژه از معنای اصلی و فرهنگنامه‌ای، همچون انواع مجاز و مسئله اشتراک لفظی، که بافت کلام نقش اساسی را در این میان بر عهده دارد و اساساً اشاره به این معانی از وظیفه فرهنگنامه‌ها خارج است. هرچند که معمولاً در فرهنگنامه‌ها به تعدادی از این معانی اشاره شده است.

دسته دوم از اشکالات به مترجم بازمی‌گردد، به طوری که به نظر می‌رسد مترجمین قرآن کریم در بسیاری از موارد جهت کشف معنا و دلالت واژگان به فرهنگنامه‌ها مراجعه نکرده‌اند، و یا در فهم صحیح و دقیق و کامل واژه‌ها و انتقال آن به خوانندگان ترجمه موفق نبوده‌اند.

با توجه به مسائل مربوط به ساخت و دلالت فرهنگنامه‌ای واژگان همچون اشتراک لفظی، مترادف و اضداد، نیز اشکالات فراوانی در ترجمه‌های قرآن می‌توان یافت. از جمله عدم توجه به دلالت یک واژه بر معانی مختلف و صرف در نظر گرفتن دلالت اصلی و فرهنگنامه‌ای واژه، عدم انتقال تفاوت‌های معنایی میان واژگان مترادف نما، و یا دلالت یک واژه بر دو معنای متضاد که در مبحث اضداد مطرح است. در مجموع به نظر می‌رسد که ترجمه‌های قرآن از نظر فنی یعنی مباحث زبانی و ادبی نیاز به بازبینی و اصلاحات اساسی دارد.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، ترجمه، ساخت فرهنگنامه‌ای، نقد، لفظ

المخلص

إن الترجمة عبارة عن إعادة إنتاج كلام في لغة أخرى، بحيث تنقل في عملية الترجمة جميع مقاصد الكلام الأصلي أغراضه و ملامحه. هذا هو الغاية من الترجمة، مع أنه لا يمكن الوصول إلى هذه الغاية أحياناً، ولكن يجب على المترجم أن يبذل جهده كله في تحقق هذه الهدف مهما أمكن ذلك. خاصة في ترجمة الآيات القرآنية التي لها أهميتها و حساسيتها.

أما دراسة الترجمات الحالية من القرآن الكريم إلى اللغة الفارسية، فيتبين من خلالها أن المترجمين ليست لديهم هذه النظرة إلى الترجمة، إذ اكتفوا بنقل الدلالات و المعاني العامة للألفاظ و العبارات القرآنية، و لم تنعكس دلالات الألفاظ و العبارات كاملة في نص الترجمة.

و إن للألفاظ القرآنية معنيين؛ المعنى الجوهرى أو الأصلي الذي تدل عليه بنية اللفظ المعجمي و دلالاته المعجمية، و المعنى الفني أو الإضافي و هو الذي تدل عليه بُنى اللفظ الصوتية و الصرفية و النحوية و البلاغية. و لا ينسى أن للسياق دوراً هاماً في تحديد دلالة الألفاظ.

فإن الإشكاليات التي تؤخذ على الترجمات الفارسية من القرآن نظراً إلى البنية المعجمية للألفاظ يمكن تقسيمها إلى الإشكاليات التي مردّها المعاجم، مثل خروج اللفظ من دلالاته المعجمية، كدلالة الألفاظ في أنواع المجاز و قضية الوجوه و النظائر أو المشترك اللفظي، ففي هذه القضايا لا يمكن الاعتماد على المعاجم و ما ذكر فيها من دلالة اللفظ اعتماداً تاماً. و الإشكاليات التي مردّها الترجمات حيث لم يراجع المترجم المعاجم لاستخراج دلالة اللفظ المعجمية، أو كان فاشلاً في ذلك، أو لم يكن المترجم مهتماً بالقضايا التي تتصل بدلالة اللفظ و بنيته المعجمية، مثل المشترك اللفظي، أو الترادف، أو الأضداد، فمن هنا يمكن مشاهدة الكثير من الإشكاليات في الترجمات القرآنية. و أخيراً يمكن القول بأن الترجمات القرآنية فيها العديد من الإشكاليات نظراً إلى القضايا اللغوية و الأدبية يجب مراجعتها و إعادة النظر فيها.

الكلمات الرئيسية: القرآن الكريم، الترجمة، البنية المعجمية، النقد، اللفظ

فهرس الموضوعات العام

- المقدمة..... ١
- التمهيد..... ٦
- الباب الأول: البنى اللغوية للألفاظ القرآنية، دلالاتها و إشكالياتها في الترجمة..... ١٤-١٠٥
- الفصل الأول: البنية الصوتية للألفاظ القرآنية؛ دلالاتها و إشكالياتها في الترجمة..... ١٧-٣٨
- الفصل الثاني: البنية الصرفية للألفاظ القرآنية؛ دلالاتها و إشكالياتها في الترجمة..... ٣٩-٦٠
- الفصل الثالث: البنية النحوية للألفاظ القرآنية؛ دلالاتها و إشكالياتها في الترجمة..... ٦١-٨٠
- الفصل الرابع: البنية البلاغية للألفاظ القرآنية؛ دلالاتها و إشكالياتها في الترجمة..... ٨١-١٠٥
- الباب الثاني: إشكالية البنية المعجمية في ترجمة الآيات القرآنية..... ١٠٦-٤١٠
- الفصل الأول: أمهات المعاجم العربية و إشكالياتها..... ١١٠-١٥٧
- الفصل الثاني: البنية المعجمية للألفاظ القرآنية؛ دلالاتها و إشكالياتها في الترجمة..... ١٥٨-١٩٥
- الفصل الثالث: الوجوه و النظائر في الألفاظ القرآنية و إشكاليات الترجمة..... ١٩٦-٢٦٦
- الفصل الرابع: الترادف في الألفاظ القرآنية و إشكاليات الترجمة..... ٢٦٧-٣٢٨
- الفصل الخامس: الأضداد في الألفاظ القرآنية و إشكاليات الترجمة..... ٣٢٨-٣٦٨
- الفصل السادس: السياق و دوره في دلالة الألفاظ و إشكاليات الترجمات القرآنية..... ٣٦٩-٤١٠
- الخاتمة..... ٤١١
- الملخص الفارسي..... ٤١٣-٥٠٩
- فهرس المصادر و المراجع..... ٥١٠
- فهرس الموضوعات التفصيلي..... ٥٢١

المقدمة

الحمد لله ربّ العالمين، حمداً كثيراً، الحمد لله الذي أنزل القرآن معجزاً في لفظه و معناه، و صلى الله و سلم على نبينا محمد و آله الطيبين الطاهرين.

و أما بعد فإن العلوم أنما تنال شرفها من شرف ما تتعلق به، و لاشك أن القرآن الكريم هو أشرف الكتب، و من هنا فإن علوم العربية من أشرف العلوم لأنها ما وضعت، و ما أُلّف فيها العلماء إلّا لفهم كتاب الله تعالى.

- تبیین المسألة و ضرورة البحث

و من هنا كانت نعمة الله تعالى عليّ عظيمة أن درجني في مسلك المتشغلين بهذه اللغة المباركة و علومها خدمة لكتاب الله تعالى. فخير الدراسات و البحوث ما كان مجاله كتاب الله تعالى (القرآن الكريم). فوجدت فيه ضالتي، و دفعني ذلك إلى البحث فيه، فذلك تناولت في هذه الدراسة موضوعاً يتصل بالقرآن الكريم و ذلك ترجمة القرآن الكريم إلى اللغة الفارسية و الذي يحمل عنوان «إشكالية البنية المعجمية في ترجمة الآيات القرآنية»، تحت إشراف الأستاذ الدكتور «حميدرضا ميرحاجي» و الأستاذ الدكتور «جلال مرامي» و مساعدة الأستاذ الدكتور «سيد خليل باستان» -حفظهم الله- في قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة العلامة الطباطبائي.

فإن ترجمة القرآن الكريم إلى اللغة الفارسية قد بدئت منذ زمن بعيد و البوادر الأولى للقضية ترجع إلى عصر النبي -صلى الله عليه و آله و سلم- و قد استمرت هذه الحركة حتى عصرنا الحاضر بل لقيت ترجمة القرآن الكريم إلى اللغة الفارسية بعد الثورة الإسلامية اهتماماً بالغاً من قبل الدارسين و المترجمين. ولكن رغم هذه العناية البالغة التي أدت إلى إخراج ترجمات كثيرة من القرآن الكريم مازلنا نشاهد إشكاليات عديدة في الترجمات الحالية و لا يزال باب ترجمة القرآن الكريم و نقدها مفتوحاً على المترجمين و النقاد. و كان ذلك دافعاً آخر دعاني لاختيار هذا الموضوع.

و كما يعلم الجميع إن القرآن الكريم قد أنزله الله تعالى باللغة العربية و أساليبها، فلا بد لمن يريد فهم معانيه و مقاصده من معرفة هذه اللغة و طرق بيانها و دقائقها و ألفاظها. و تأتي المعرفة بمعاني ألفاظ القرآن الكريم و دلالاتها في الدرجة الأولى من الأهمية في فهم معاني الآيات القرآنية و بالتالي في ترجمتها إلى لغة أخرى. و من هنا تأتي أهمية هذا البحث إذ نجد في الترجمات القرآنية باللغة الفارسية الكثير من الإشكاليات التي مردّها عدم فهم المعاني الدقيقة للألفاظ القرآنية و قضايا

أخرى تتصل بالبنية المعجمية للألفاظ، مثل قضية «الوجوه و النظائر» أو «المشترك اللفظي» و قضية «الترادف» و كذلك «الأضداد». فالإشكاليات التي يدرسها هذا البحث إما راجعة إلى المعاجم نفسها مثل دلالة السياق و دلالة البنية الصوتية -عموماً- و البنية الصرفية و البنية النحوية و البنية البلاغية، فإن المعاجم على العموم لا تدرس هذه البنى اللغوية و دلالاتها و في الواقع إنها خارجة عن وظيفة المعاجم و أصحابها. و كذلك المشترك اللفظي و الترادف و الأضداد، فإن المعاجم العامة لا تنظر عادة إلى هذه القضايا مع أن هناك معاجم خاصة وضعت لدراسة هذه القضايا اللغوية. و إما ترجع الإشكاليات إلى المترجم و الترجمات بحيث لم يستخدم المترجم المعاجم استخداماً صحيحاً و كاملاً، أو اكتفى المترجم بما ورد في المعاجم فأغفل ما هو خارج عن نطاق المعاجم مثل دلالة السياق و غيرها.

- أسئلة البحث

و هذا البحث يقوم على أسئلة أهمها:

- ١- هل راجع المترجمون في ترجمة الألفاظ القرآنية المعاجم اللغوية أم اعتمدوا على ذاكرتهم و معلوماتهم المسبقة عند ترجمة الألفاظ؟
- ٢- هل كان المترجمون ناجحين في استخدام المعاجم و كشف دلالات الألفاظ القرآنية أم لا؟
- ٣- كيف نقلت دلالات الألفاظ القرآنية و مقاصدها كاملة و دقيقة في الترجمات الحالية من القرآن الكريم؟ هل جاءت كاملة و دقيقة أم هي ناقصة لاتعبر عن مقصود الآية بشكل كامل؟
- ٤- ما هي القضايا و الموضوعات اللغوية التي تتصل ببنية الألفاظ المعجمية؟ و كيف كان عمل المترجمين بالنسبة لهذه القضايا؟
- ٥- ما هي أهم إشكاليات المعاجم اللغوية و أثرها في الترجمات القرآنية؟

- فرضيات البحث

و أما فرضيات هذه البحث، فأهمها يذكر فيما يلي:

- ١- يبدو أن مترجمي القرآن الكريم لم يراجعوا المعاجم اللغوية في ترجمة الكثير من المفردات القرآنية. فلهذا لم يكونوا ناجحين في ترجمة الألفاظ القرآنية تمام النجاح.

٢- تكشف دراسة الترجمات القرآنية لنا أن المترجمين لم يدققوا في القضايا التي تتصل بالبنية المعجمية للألفاظ القرآنية مثل المشترك اللفظي، و الترادف و الأضداد. فأدى ذلك إلى ظهور إشكاليات كثيرة في الترجمات القرآنية.

٣- لا يمكن الاعتماد التام على المعاجم و ما ذكر فيها من المعاني للألفاظ، لأنها عادة ما تدرس الألفاظ خارجة عن السياق. فالسياق له أهمية بالغة في تحديد دلالة اللفظ و معناه. و هذا مما أغفله المترجمون في مواضع كثيرة من ترجمة الآيات القرآنية.

- هدف البحث

فعلى أساس ما ذكر في أسئلة البحث و فرضياته، يهدف الباحث من خلال هذا البحث إلى دراسة الترجمات القرآنية و نقدها من منطلق البنية المعجمية للألفاظ و الإشكاليات التي نجدها في الترجمات القرآنية التي تتبع من عدم استخدام المترجم المعاجم اللغوية. أو الاعتماد التام على المعجم و المعنى المعجمي للفظ و عدم الاهتمام بالسياق. فيعتمد البحث على منهج توصيفي و تحليلي، إذ يصف و يحلل الترجمات القرآنية و ينقدها من الجانب المعجمي للألفاظ القرآنية و القضايا و الإشكاليات المتصلة به.

- أسبقية البحث

و صحيح أن هناك مجالات مثل: «بيِّنات» أو «ترجمان وحى» تهتم بالترجمات القرآنية و نقدها، أو نشرت كتب في هذا المجال مثل: كتاب «اصول و مباني ترجمه قرآن» الذي ألفه «على نجار»، و «منطق ترجمه قرآن» تأليف «محمد على رضايى اصفهانى»، أو «مشكلات ساختارى ترجمه قرآن كريم» للمؤلف «حيدر قليزاده»، ولكنها مع هذه الجهود لا تتصف أولاً بالانتظام العلمي إذ طرحت فيها المباحث متناثرة و غير منتظمة، و ثانياً إنها لم تنظر إلى القضايا اللغوية نظرة دقيقة و كاملة، بحيث يمكن القول بأن كثيراً مما قيل في هذه المؤلفات لا ييسمن و لا يغني من جوع.

- أجزاء البحث

و قد اقتضت هذه الدراسة أن يقوم البحث على تمهيد و بابين و خاتمة. و عمدت إلى تسمية التمهيد، باسم «ترجمة القرآن الكريم و إشكالياتها نظراً إلى البنية المعجمية للألفاظ القرآنية» و جاء ذلك ضمن ثلاثة محاور؛ الأول: مفهوم الترجمة، و الثاني: الشروط الأساسية التي يجب توفرها عند مترجم الآيات القرآنية، و الثالث: البنية المعجمية للألفاظ و إشكاليات الترجمات القرآنية.

و تضمن الباب الأول الذي عنوانه «البنى اللغوية للألفاظ القرآنية؛ دلالاتها و إشكالياتها في الترجمة»، أربعة فصول، هي:

الفصل الأول – البنية الصوتية للألفاظ القرآنية؛ دلالاتها و إشكالياتها في الترجمة

الفصل الثاني – البنية الصرفية للألفاظ القرآنية؛ دلالاتها و إشكالياتها في الترجمة

الفصل الثالث – البنية النحوية للألفاظ القرآنية؛ دلالاتها و إشكالياتها في الترجمة

الفصل الرابع – البنية البلاغية للألفاظ القرآنية؛ دلالاتها و إشكالياتها في الترجمة

فإن الباحث في الآيات القرآنية والذي يريد ترجمتها إلى لغة أخرى يجب أن يعرف المعاني الكاملة و الدقيقة للألفاظ القرآنية و للوصول إلى هذا الهدف يجب معرفة البنى اللغوية للآيات القرآنية و هذه البنى هي البنية المعجمية و البنية الصوتية و البنية الصرفية و البنية النحوية و البنية البلاغية للألفاظ القرآنية و كذلك المعنى الذي يدل عليه سياق الكلام. ففي الباب الأول درسنا هذه البنى اللغوية –ماعدا البنية المعجمية التي تركناها للباب الثاني- و أشرنا إلى بعض الإشكاليات في الترجمات الحالية من القرآن الكريم نظراً إلى القضايا المدروسة في هذا الباب.

و أما الباب الثاني فخصّص بدراسة البنية المعجمية للألفاظ القرآنية و الإشكاليات التي ترتبت عليها في ترجمات الآيات القرآنية، فجاء عنوان هذا الفصل: «إشكالية البنية المعجمية في ترجمة الآيات القرآنية» و جعلته في ستة فصول، و هي:

- الفصل الأول: أمهات المعاجم العربية و إشكالياتها.

- الفصل الثاني: البنية المعجمية للألفاظ القرآنية؛ دلالاتها و إشكالياتها في الترجمة.

- الفصل الثالث: الوجوه و النظائر في الألفاظ القرآنية و إشكاليات الترجمة.

- الفصل الرابع: الترادف في الألفاظ القرآنية و إشكاليات الترجمة.

- الفصل الخامس: الأضداد في الألفاظ القرآنية و إشكاليات الترجمة.

- الفصل السادس: السياق و دوره في دلالة الألفاظ و إشكاليات الترجمات القرآنية.

أما الفصل الأول ففيه دراسة لمفهوم المعجم و أنواعه و نشأة المعاجم العربية و تطورها و تعريف أمهات المعاجم العربية و خصائصها و كذلك إشكاليات المعاجم العربية و عيوبها. و في الفصل الثاني ذكرنا بعض الأسماء و الصفات الإلهية دارسين دلالاتها المعجمية و الإشكاليات الموجودة في ترجمتها. و الفصل الثالث فيه تطرق إلى قضية الوجوه و النظائر أو المشترك اللفظي في الألفاظ القرآنية و إشكاليات الترجمات القرآنية من هذا المنطلق. و درست في الفصل الرابع

مسألة الترادف في الألفاظ القرآنية؛ أي مفهومه و آراء العلماء في إثباته و إنكاره و نماذج من الألفاظ المترادفة أو المتقاربة المعنى على التعبير الأصح. و الفصل الخامس يختص بقضية الأضداد في الألفاظ القرآنية و الإشكاليات التي نجدها في الترجمات القرآنية عن هذا القسم من الألفاظ. و الفصل الأخير جباة فيه دراسة السياق و ما له من الأهمية و الدور في تحديد معاني الألفاظ القرآنية و أنواعه المختلفة مثل السياق المعجمي و السياق الصرفي و السياق الصوتي و السياق النحوي و السياق البلاغي. و ختمت البحث ببيان أهم النتائج التي توصل إليها الباحث من خلال هذه الدراسة.

- مصادر البحث

و أما أهم المصادر و المراجع التي استعنت بها في كتابة البحث، فأولها كتاب الله تعالى «القرآن الكريم»، لأنه الأساس الذي قامت عليه هذه الدراسة. و اعتمدت على مجموعة من كتب اللغة و المعاجم مثل «كتاب العين» للخليل بن أحمد الفراهيدي، و «معجم مقاييس اللغة» لأحمد بن فارس، و «جمهرة اللغة» لابن دريد، و «المفردات» للراغب الأصفهاني، و «لسان العرب» لابن منظور، و «مجمع البحرين» للطريحي.

و كذلك نظرت إلى عدد من الترجمات القرآنية الحديثة ناقداً إشكالياتها، منها ترجمة «آيتي»، و «خرمشاهی»، و «فولادوند»، و «الهي قمشه اي»، و «گرمارودی»، و «صفارزاده»، و «مكارم شیرازی»، و «مشکینی»، و «دهلوی»، و «سراج»، و «مجتبوی»، و غيرهم.

و لايفوتني و أنا أكتب السطور الأخيرة من هذه المقدمة أن أقرّ بالفضل لأهله و خاصة مترجمي القرآن الكريم فنحترمهم و نعظم جهودهم، كما أسجل شكري و تقديري لكل من مدّ يد العون لي، و بدأ بتقديم شكري العظيم و ثنائي الجميل إلى سيادة الأستاذ الدكتور «حميد رضا ميرحاجي» و سيادة الأستاذ الدكتور «جلال مرامي» على متابعتهما خطوات البحث خطوة خطوة. و أثنى بتقديم الشكر و الثناء إلى فضيلة الأستاذ الدكتور «سيد خليل باستان» لمساعدته و إبداء آرائه العلمية الثاقبة. كما أتقدم بالشكر الجزيل إلى أساتيذ قسم اللغة العربية في كلية الآداب الفارسية و اللغات الأجنبية بجامعة العلامة الطباطبائي، و أخص بالذكر منهم الأستاذ الدكتور «سعيد النجفي أسدالهي» و الأستاذ الدكتور «علي گنجيان» رئيس قسم اللغة العربية و آدابها.

كما أود أن أقدم شكراً خاصاً لزوجتي «يسرا شادمان» التي قدمت لي دعماً كاملاً و مكنتني من التفرغ لدراستي، و كانت لي نعم المعين بعد الله عز و جل، فلها بالغ شكري و عظيم امتناني.

و بعد، فإني أرجو أن أكون قد وقّيت هذا الموضوع بعض حقه، هذا و إن عمل ابن آدم لا يخلو من الخطأ و الزلل، فما كان في هذا البحث من صواب فهو من فضل الله و له الحمد أولاً و آخراً، و ما كان فيه من خطأ فمن نفسي، أسأل الله تعالى أن لا يحرمني أجر المجتهدين.

و الحمد لله رب العالمين

التمهيد

ترجمة القرآن الكريم وإشكالياتها نظراً إلى
البنية المعجمية للألفاظ القرآنية

قبل أن تدرس المواضيع الخاصة بموضوع الأطروحة، تطرح في هذا المجال مباحث عامة حول «ترجمة القرآن الكريم وإشكالياتها نظراً إلى البنية المعجمية للألفاظ القرآنية» لكي تمهد لنا الطريق للدخول في صلب الموضوع.

و الموضوعات التي سنتحدث عنها في هذا المجال هي مفهوم الترجمة و الشروط الأساسية التي يجب أن تتوفر عند مترجم الآيات القرآنية و مفهوم البنية المعجمية، و كذلك سنشير إشارة عابرة إلى الإشكاليات التي طرأت على الترجمات القرآنية و ذلك من منطلق البنية المعجمية.

أولاً- مفهوم الترجمة

من الضروري أن نتطرق في بداية البحث إلى مفهوم الترجمة و نقدم تعريفاً دقيقاً و علمياً من هذا المصطلح الأساسي لبحثنا هذا، لكي نستطيع أن نحصل على نتائج أدق في مجال دراسة ترجمة القرآن الكريم.

«التَرْجَمَة» لغة - على وزن فَعَلَّة- مصدر رباعي من «تَرَجَمَ-يُتَرَجَمُ» بمعنى «نقل الكلام من لغة إلى أخرى». ¹ يقول الجوهري: «ترجم كلامه إذا فسره بلسان آخر». ² و قال الطريحي: «عبّر عنه [الكلام] بلغة غير لغة المتكلم». ³

أما مفهوم الترجمة عند العلماء القدماء و أصحاب اللغة و المعاجم فيمكن جمع آرائهم في أن الترجمة هي «تفسير الكلام أو نقله من لغة إلى أخرى»، دون أن يتحدثوا في تعريف الترجمة عن عناصرها و أجزاءها و عن عملية الترجمة و كفيئتها.

فالترجمة عامة تعني عملية نقل الكلام و رسالة المؤلف من اللغة المترجم منها إلى اللغة المترجم إليها. ولكن علاوة على هذا التعريف الأساسي و المبدئي للترجمة فنجد أصحاب الترجمة أكد كلّ منهم على جانب من زوايا الترجمة و كفيئتها:

١ - ابن منظور، محمد بن مكرم، «لسان العرب»، تحقيق: علي شيرى، بيروت، دار إحياء التراث العربي، مادة (رجم)

٢ - الجوهري، إسماعيل بن حمّاد، «الصحاح» (تاج اللغة و صحاح العربية)، تحقيق: أحمد عبدالغفور عطار، بيروت، دار العلم للملايين، ١٤٠٤هـ.ق، مادة (رجم)

٣ - الطريحي، فخرالدين، «مجمع البحرين»، تحقيق: سيد أحمد حسيني، تهران، كتابفروشى مرتضوى، ١٣٧٥هـ.ش، مادة (رجم)

- «إن المراد من الترجمة الاصطلاحية و العرفية هو نقل معنى الكلام من لغة إلى أخرى بحيث تنتقل جميع مقاصد النص الأصلي و المعاني المقصودة فيه إلى اللغة الثانية، كأنه نقل الكلام عينه من لغة إلى لغة أخرى»^١.

- و «تعني الترجمة نقل كتابة أو كلام من لغة إلى أخرى، بأدق صورة و بشكل طبيعي للغاية، مهما أمكن ذلك»^٢. فكما نلاحظ فقد أكد في التعريفين السابقين على مطابقة نص الترجمة و تعادله مع النص الأصلي. و أكد البعض على الالتزام بأسلوب النص الأصلي في عملية الترجمة. فعلى سبيل المثال يقول «نايدا»^٣ - أحد مشاهير دراسات الترجمة- في تعريف الترجمة:

- «الترجمة عبارة عن البحث عن أقرب مقابل طبيعي لرسالة صاحب النص في اللغة المنقول إليها، أولاً من حيث المعنى و ثانياً من حيث الأسلوب»^٤.

- و كذلك قيل: «الترجمة في الاصطلاح عبارة عن الحصول على أقرب و أدق مقابل لألفاظ اللغة المنقول منها، بحيث يراعى أسلوب المؤلف و منهجه»^٥.

و قد أكد بعض أصحاب الرأي في دراسات الترجمة على التساوي و التعادل بين النص الأصلي و المترجم و النص المنقول أو نص الترجمة، دون زيادة أو نقصان:

- «الترجمة هي نقل نص من لغة إلى لغة أخرى مع رعاية مفهوم النص الأصلي و محتواه، فيجب في الترجمة أن ينعكس مفهوم النص الأصلي و محتواه مع رعاية نظم الكلام و الخلو عن الحشو و الزيادة في اللغة المنقول إليها»^٦.

- و «الترجمة تعني نقل نص من اللغة المنقول منها إلى اللغة المنقول إليها دون أية زيادة أو نقصان في المبنى و المعنى»^٧.

١ - نجار، على، «اصول و مباني ترجمه قرآن»، رشت، انتشارات كتاب مبین، چاپ اول، ١٣٨١هـ.ش، ٣٢

٢ - ناظمیان، رضا، «روشهایی در ترجمه از عربی به فارسی»، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ١٣٨١هـ.ش، ٢٣

٣ - Nida

٤ - لطفی پورساعدی، کاظم، «درآمدی بر اصول و روش ترجمه»، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ١٣٨٧هـ.ش، ٦٦

٥ - معروف، یحیی، «فن ترجمه»، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ١٣٨٠هـ.ش، ٧

٦ - کوشا، محمدعلی، «ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد»، رشت، انتشارات کتاب مبین، چاپ اول، ١٣٨٢هـ.ش، ٧

٧ - صفوی، کورش، «هفت گفتار درباره ترجمه»، تهران، نشر مرکز، ١٣٧١هـ.ش، ٩